

چهارباغ مشهد تیموری در آینه تاریخ

دکتر سیده‌هاشم حسینی*

چکیده

موضوع این تحقیق بررسی توصیفات و وقایع چهارباغ مشهد در متون تاریخی از زمان بنای آن در دوران شاهرخ تیموری تا تخریب آن در اوایل دوره قاجار است. در همین راستا ابتدا در رابطه با مفهوم و پیشینه چهارباغ مقدمه‌ای ذکر می‌گردد و در ادامه مطالبی که در مورد چهارباغ مشهد در کتب تاریخی ادوار تیموری، صفوی، افشاری و قاجار نقل شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بدین وسیله ابعاد تاریخی و مهمترین وقایع رخ داده در چهارباغ مزبور که بعضاً بر سرنوشت کل ایران تاثیر گذارده، بهتر شناخته شده و مورد ارزیابی قرار گیرد. از مهمترین مقاطع تاریخی این چهارباغ می‌توان به اواخر دوران صفوی و دوران افشار اشاره کرد که شهر مشهد به عنوان پایتخت ایران و عمارت چهارباغ به عنوان تختگاه حکومتی، نقش مهمی در تاریخ ایران ایفا کرده است. اوضاع پریشان ایران بعد از حمله افغانه و جابجایی‌های سریع قدرت در اواخر دوره صفوی به خوبی در وقایع عمارت حکومتی چهارباغ بازتاب یافته است. یافته‌های تحقیق از یکسو حاکی از این واقعیت است که فضاهای چهارباغ امروزی مانند چهارباغ صفوی شهر اصفهان که بیشتر به عنوان خیابان شناخته می‌شوند، در دوران تیموری به عنوان کاخ-باغ ساخته می‌شدند که چهارباغ مشهد نیز در ابتدا از همین نوع بوده است. اما سیر تحولات شهر مشهد از دوران صفوی به بعد منجر به تغییراتی در فضا و مفهوم چهارباغ شده و آن، مطرح شدن کارکرد دارالحکومه یا مقر حاکم شهر و در ادامه تختگاه حکومت نادرشاه و جانشینان وی می‌باشد. از دیگر سو مرور وقایع چهارباغ مشهد در اواخر صفوی تا تشکیل سلسله قاجار، نشان دهنده موقعیت یگانه و تاثیرگذار شهر مشهد در این مقطع زمانی از تاریخ پرفراز و نشیب ایران است که شایسته شناخت و تحلیل بیشتر است.

واژه‌های کلیدی

عمارت چهارباغ، تاریخ مشهد، دوران تیموری، دوران صفوی، دوران افشاری

* استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی hoseyny@uma.ac.ir

مقدمه

زمانی که واژه چهارباغ به گوش می‌خورد، اغلب خیابان زیبای چهارباغ اصفهان- از ساخته‌های دوره شاه عباس اول صفوی در اوایل قرن یازده هجری قمری- در اذهان تداعی می‌شود. اما به نظر می‌رسد فضاهای موسوم به چهارباغ ریشه در منطقه خراسان داشته و در سیر تحولات تاریخی خود از باغ‌هایی با ویژگی‌های خاص در قرن چهارم، به کاخ- باغ‌هایی فرح بخش در دوره تیموری و در ادامه به خیابان‌هایی مستقیم توأم با جوی‌ها و حوض‌های آب و ردیف‌های درختان در دوران صفوی تبدیل شده است. بررسی تاریخ دوره تیموری در بسیاری از شهرهای این دوره، وجود فضاهایی با این نام را اثبات می‌کند از جمله چهارباغ ابراهیم سلطان میرزا در بلخ، چهارباغ امیر مزید ارغوان در بیرون شهر بلخ، چهارباغ شاهرخ تیموری در شهر مشهد و جزآن.

در این میان چهارباغ شهر مشهد دارای سرنوشتی متفاوت و درخور تأمل است که در عین حال روایت‌گر یکی از حساسترین برهه‌های تاریخ شهر مشهد و کل ایران نیز می‌باشد. از مهمترین این مقاطع تاریخی می‌توان به اواخر دوران صفوی و دوران افشار اشاره کرد که مشهد به عنوان پایتخت ایران و عمارت چهارباغ به عنوان مقر سران و امرای حکومتی، نقش مهمی در تاریخ ایران ایفا کرده است. اوضاع آشفته ایران پس از تصرف شهر اصفهان بدست افغانه، اضمحلال دولت صفوی، تشکیل سلسله قاجار در شهر مشهد- به عنوان بزرگترین و مهمترین شهر ایران که به تصرف افغانه درنیا آمده بود- و ویژگی‌های دوره حکومت چندین پادشاه با شخصیت‌های متفاوت، به خوبی از طریق این عمارت قابل شناسایی و بررسی می‌باشد.

چهارباغ مشهد حکایت اوضاع پریشان ایران بعد از فروپاشی حکومت مقتدر صفوی در ۱۱۳۵ ه.ق و تشکیل

حکومت‌های کم دوام اما بعضاً قدرتمندی است که شهر مشهد را به عنوان پایتخت خویش بر می‌گزینند. رویدادهای رخ داده در این عمارت گاهی آنقدر عجیب و افسانه گونه به نظر می‌رسد که گویی انسان در حال مطالعه یک رمان یا قصه جذاب است. حدیث وطن فروشی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، قساوت‌ها، شورش‌های متعدد و جابجایی‌های سریع قدرت بین گروه‌ها و طوایف مختلف و غم‌ها و شادی‌های زودگذر مردم شهر مشهد در این مقطع زمانی پر آشوب، به خوبی در وقایع چهارباغ بازتاب یافته است. وقایع چهارباغ از سال ۸۴۲ ه.ق که توسط شاهرخ تیموری به عنوان استراحتگاه و کاخ اختصاصی وی ساخته شد شروع و تا سال ۱۲۵۰ ه.ق در اوایل دوران قاجار که کاملاً ویران شد، ادامه می‌یابد و دوره حکمرانی چهار حکومت مختلف و شاهان کم دوامی همچون ملک محمود سیستانی، طهماسب دوم صفوی، نادرشاه افشار، عادلشاه افشار، شاهرخ افشار و شاه سلیمان ثانی را دربرمی‌گیرد.

با توجه به این واقعیت که کمتر پژوهشی در رابطه با این مقطع پر فراز و نشیب از تاریخ ایران صورت گرفته است، تحقیق پیش رو در صدد است با تکیه بر روش تحقیق کتابخانه‌ای و تاریخی به مطالعه و بررسی مهمترین وقایع و رویدادهای طول حیات چهارباغ در کتب تاریخی بپردازد. همچنین با توجه به اهمیت فضاهای چهارباغ، بخشهایی از تحقیق متضمن سابقه تاریخی و ویژگی‌های فضاهای چهارباغ می‌باشد. بنابراین تحقیق پیش رو هم پژوهشی تاریخی در رابطه با بناهای موسوم به چهارباغ و هم تاریخ چهارباغ مشهد و بالتبع تاریخ شهر مشهد می‌باشد. اما پیش از پرداختن به موضوع تحقیق، ذکر این نکته ضروری است که چهارباغ مورد نظر ما در اینجا نباید با خیابان چهارباغ مشهد، احداثی شاه عباس اول در سال ۱۰۰۹ ه.ق که به همان سبک و سیاق خیابان چهارباغ اصفهان و همزمان با صحن عتیق حرم مطهر رضوی از غرب

منزل های پادشاهان که در بخارا بوده است از چهارباغ‌های واقع بین در ریگستان تا دشتک، سخن رانده، چنین نوشته است: «... و دیگر از در ریگستان تا دشتک بتمام، خانه‌های موزونِ منقشِ عالیِ سنگین و مهمانخانه‌های مصور و چهارباغ‌های خوش و سرحوض‌های نیکو و درخت‌های کجیم^۱ خرگامی بوده به نوعی که ذره‌ای آفتاب از جانب شرقی و غربی به نشستگاه سرحوض نمی‌افتاده. و در این چهارباغ‌ها میوه‌های الوان فراوان از ناشپاتی^۲ و بادام و فندق و گیلاس و عناب و هر میوه‌ای که در بهشت عنبرسرسرت هست، در آنجا به غایت نیکو و لطیف بوده است.» (نرشخی، ۱۳۵۱: ۳۴-۳۳) از دیگر کتب قدیمی که واژه چهارباغ را بکار برده تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل بیهقی مربوط به دوره غزنویان در سده پنجم هجری است: «... آن سال که از طبرستان باز آمدیم و تابستان مُقام افتاد به نشاپور، خواست که دیگر زمین خرد تا سرای چهارباغ باشد و به ده هزار درم بخیرید از سه کلدخدای...» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۷۲)

با روی کار آمدن تیموریان تحول عظیمی در امر باغ سازی پدید آمده و چهارباغ‌های زیادی در شهرهای مختلف قلمرو تیموریان ساخته می‌شود. از جمله، ساخت و سازهای تیمور در سمرقند، پیش از بازگشتش از هند، به ارگ و دوباغ از نوع چهارباغ در حومه شهر، محدود می‌شده است. این باغ‌ها را نهرهایی به چهار بخش تقسیم می‌کرد و یک کلاه فرنگی در محل تقاطع آنها بود. تیمور باغ‌ها را برای زنان خود ساخته بود، اما برای پذیرایی از سفرا و مناسبت‌های دیگر نیز از آنها استفاده می‌شد (Golombek, 1995, 137-147)

کلویخو سفیر اسپانیا که در این دوره از شهر سمرقند دیدن کرده در توصیف یکی از چهارباغ‌های نزدیک سمرقند می‌نویسد: «... در اینجا شش حوض بزرگ هست؛ زیرا که در سراسر این بیشه نهر بزرگی جاری

به شرق شهر ساخته شد، اشتباه گرفته شود. خیابان مزبور که تا اوایل سالهای دهه ۱۳۰۰ شمسی تنها خیابان شهر مشهد بود، به صورت چهارباغی با چهارردیف از درختان و نهر آبی در وسط احداث شده بود و مانند امروز، ضلع غربی آن را بالا خیابان و ضلع شرقی آن را پایین خیابان می‌نامیدند. حال آنکه چهارباغ مورد تحقیق ما در ابتدا کاخ و باغی بوده است از ساخته‌های دوره تیموریان در قرن نهم هجری.

۱. تعریف و سابقۀ تاریخی چهارباغ:

در لغتنامه دهخدا با معنای چهارباغ آمده است: «اصطلاحی بوده است شاید مانند چهارخیابان امروز» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه چهار باغ) همچنین در مورد واژه چارباغ آمده است: «باغهای چهارگانه در کنار هم که با خیابان‌ها از هم جدا شوند یا در پیرامون عمارتی باشند. دو رشته خیابان موازی یکدیگر که در دو طرف دارای درختکاری بوده و در وسط بوسیله یک رشته پیاده رو یا گردشگاه از هم جدا باشند. کوشک و قصر. از الحان موسیقی، آهنگ مخصوصی در یکی از دستگاههای موسیقی قدیم ایران.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه چارباغ) همانگونه که ملاحظه می‌شود چهارباغ یا چارباغ دارای معانی متفاوتی از خیابان تا باغ و آهنگی مخصوص می‌باشد که البته معنای خیابان از دوره شاه عباس اول صفوی به بعد برای آن مطرح شده است.

ظاهراً ساخت باغ‌هایی بصورت چهارباغ تا قبل از دوره تیموریان رونق چندانی نداشته است و در کمتر کتاب و نوشته ای نام و نشانی از آن دیده می‌شود. از معدود کتبی که از چهارباغ یاد کرده و به احتمال فراوان قدیمی‌ترین کاربرد این اصطلاح نیز می‌باشد، کتاب «تاریخ بخارا» تألیف «محمد بن جعفر نرشخی» به سال ۳۳۲ ه. ق در دوره سامانیان است. در این کتاب در ذکر

در توصیفاتی که از این چهارباغ‌ها بعمل آمده مشخص می‌شود که چهارباغ علاوه بر ساختمان اصلی - کاخ یا عمارت - دربرگیرنده چندین کلاه فرنگی و خیمه‌هایی با شکل‌های گوناگون به علاوه صافه‌هایی برای استراحت میهمانان و نیز تختی بوده که در پناه یک خیمه یا سایبان قرار داشته است. بعد از دوره تیموریان نیز اغلب منابع تاریخی یا سیاحان غربی از خیابان چهارباغ اصفهان که به دستور شاه عباس اول صفوی ساخته شده، سخن رانده اند که با توجه به تفاوت ساختاری و کاربردی چهارباغ مزبور با چهارباغهای دوره تیموری من جمله چهارباغ تیموری شهر مشهد، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۲. چهارباغ مشهد از آغاز تا فرجام:

۲-۱- دوران تیموریان: چهارباغ به عنوان تفرجگاه با مطالعه متون تاریخی متوجه می‌شویم که تا قبل از ساخت عمارت چهارباغ مشهد بوسیله شاهرخ تیموری، شهر مشهد فاقد کاخ یا بنای حکومتی خاصی بوده است؛ تاجایی که شاهرخ و سایر سلاطین قبل از وی، زمانی که به قصد زیارت وارد مشهد مقدس می‌شدند برای اقامت در شهر مشهد مستقر نمی‌شدند و معمولاً به یکی از توابع خوش آب و هوای منطقه طوس به نام رادکان^۳ عزیمت می‌کردند. از جمله در سال ۴۶۴ ه. ق. آلب ارسلان سلجوقی که پس از فتح خوارزم قصد زیارت مشهد امام(ع) کرد، پس از زیارت متوجه رادکان شد و در آن موضع چندی اقامت کرد....(مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۵) یا در ۱۶ محرم ۸۰۹ ه. ق. شاهرخ که برای زیارت روضه منوره به مشهد آمد، پس از اکرام و محبت درباره سادات و مردم شهر متوجه رادکان گردید.... (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۵) شاید بتوان ساخت کاخ یا عمارت چهارباغ توسط شاهرخ را نتیجه جایگزینی آرامش و ثبات پس از پایان

است که از یک حوض به حوض دیگر می‌رود و پنج خیابان را به موازات هم درختکاری کرده اند. درختهای آن همه بسیار بلند و پرسایه هستند و پای آنها را سنگفرش کرده و بصورت سکویی درآورد اند....» (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۱۹)

سنت ساخت چهارباغ را پس از تیمور، فرزندش شاهرخ در پایتخت خویش هرات و برخی از شهرهای دیگر تداوم بخشید. در منابع تاریخ، جغرافیایی و سفرنامه‌های عصر تیموریان از وجود چهارباغهای متعددی در شهرهای این دوره از جمله در سمرقند و هرات یاد شده است. مؤلف تاریخ حبیب السیر در گزارش وقایع پس از مرگ تیمور، از چهارباغ میرزا شاهرخ در بیرون شهر سمرقند یاد کرده است: «... بعد از فوت امیر تیمور گورکانی در اُترار، در شب چهارشنبه هفدهم شعبان سنه هشتصد و هفت که اختلاف کلی فیمابین اولاد امیر تیمور پیدا شد عیال امیر تیمور، سرای ملک خانم و تومان آقا با سایر خواتین و شاه زادگان صغار برای تعزیه و فاتحه مضجع امیر تیمور به سمرقند آمدند. ارغون شاه و خواجه یوسف آنها را به سمرقند راه نداده، چندی در بیرون شهر در چارباغ میرزا شاهرخ ساکن و متوقف بودند و تا ورود امیرزاده خلیل سلطان که شانزدهم ماه رمضان همان سال باشد، ایشان همانطور در بیرون شهر در چهارباغ مزبور بسر می‌بردند...». (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۳، ۵۳۹)

مؤلف تاریخ حبیب السیر همچنین از چهارباغ النگ رادکان (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴، ۲۸) چهارباغ امیر مزید ارغون (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۹۰) چهارباغ خسرو شاه در بیرون قندز (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۹۳) چهارباغ حافظ بیک (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲۶۵) و چهارباغ ابراهیم سلطان میرزا (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲۹۴) نیز یاد کرده است.

فرمود و پس از مراجعت بر سریر دولت قرار گرفته ناگاه مزاج موفور الابتهاج سمت تغییر پذیرفت... و در چاشتگاه همانروز، روز حیاتش برآمد...» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴، ۵۷) میرزا ابوالقاسم بابر تنها یک فرزند به نام شاه محمود داشت که یازده ساله بود. امرا که در چهارباغ بودند پس از مرگ بابر او را به پادشاهی برداشتند. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۱۱۹۰) ظاهراً این اولین بار بود که شاهی در چهارباغ مشهد بر تخت سلطنت نشست.

از دیگر وقایع تاریخی چهارباغ در این دوره، یاغی شدن محمد حسین میرزا، پسر سلطان حسین میرزای بایقرا، گورکان مشهور به خاقان بر پدر خود به سال ۹۰۴ ه. ق. و جنگ طرفین در محوطه چهارباغ بود. وی که «فراراً بعراق و آذربایجان رفته بود جمعی از متجنده را با خود همراه ساخته بحسب ظاهر بقصد دیدن پدر و استعفاء از جرایم گذشته و در باطن به خیال تصرف مملکت و دفع پدر به مشهد مقدس رسید. از طرف سلطان حسین میرزای بایقرا امیر مبارزالدین محمد ولی بیک و امیر باباعلی با دو هزار سوار از هرات رسیده در چارباغ مشهد جنگ سختی در داده محمد حسین میرزا را فراراً و مقهوراً بسمت جرجان دوانیدند...» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۴، ۳۴) به جز موارد فوق و اطراق گاه گاه بعضی از شاهان یا امرای دوره تیموری، اتفاق خاص دیگری طی این دوره حادث نشده است. بنابراین در این دوره بنای چهارباغ بیشتر یک استراحتگاه و تفرجگاه مشابه چهارباغ‌های سایر شهرهای دوره تیموری بوده است.

۲-۲- دوران صفویان: چهارباغ به عنوان اقامتگاه

حاکم شهر

ظاهراً عمارت چهارباغ در دوره صفوی به صورت مستمر به عنوان اقامتگاه شاهزادگان صفوی و نیز محل

یافتن خونریزی‌ها و درگیری‌های اوایل دوران تیموریان و نیز اقدامات مهمی دانست که در دوره حکومت وی در خصوص حرم مطهر رضوی و نیز شهر مشهد بعمل آمد. ساخت مسجد گوهرشاد و برخی از رواق‌های حرم مطهر توسط گوهرشاد آغا زوجه شاهرخ، مدارس دو در، پرزاد و بالاسر در مجموعه حرم رضوی، ایجاد صحن و بردن آب توس به مشهد از دیگر اقداماتی بود که در این دوره صورت گرفت. (سیدی، ۱۳۷۸: ۹۴)

به نوشته اعتمادالسلطنه، شاهرخ در سال ۸۲۱ ه. ق دستور ساخت این چهارباغ را در جانب شرقی مشهد صادر کرده، سرایی و قصری به تکلف در آن ساخت که هر وقت به عزم زیارت بدان شهر درآید در آن منزل کند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ج ۲، ۲۸۵) ظاهراً شاهرخ در سال ۸۴۲ ه. ق که مجدداً برای زیارت حرم رضوی وارد شهر مشهد شده برای اولین بار در عمارت چهارباغ مستقر شده است زیرا منابع تاریخی برای اولین بار خبر این استقرار را ثبت کرده و از عمارت مزبور نیز تحت عنوان عمارت جدید یاد کرده اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷-۲۸۶) که نشان دهنده نخستین استفاده از آن توسط شاهرخ است. از سوی دیگر باتوجه به اینکه شاهرخ در سال ۸۲۱ ه. ق دستور ساخت چهارباغ را صادر کرده و اولین بار در سال ۸۴۲ ه. ق از این عمارت در متون تاریخی یاد شده، احتمالاً نشان دهنده این واقعیت است که کار ساخت بنای مزبور تا این سال یعنی حدود ۲۱ سال به طول انجامیده است. پس از این تاریخ، بنای چهارباغ بطور مستمر در زمان شاهان و شاهزادگان بعدی تیموری مورد استفاده گرفته است.

یکی از وقایع مهم چهارباغ در دوره تیموری فوت میرزا بابر فرزند بایسنقر میرزا و نوه شاهرخ در آنجاست: «... میرزا ابوالقاسم بابر در سیم ربیع الآخر سنه احدی و ستین و ثمانمائه بمشهد مراجعت فرمود و.... در صباح سه شنبه ۲۵ ربیع الثانی در عین نشاط و کامرانی از چهارباغ مشهد در محفه نشسته ساعتی سیر

اقامت دائمی حکام شهر و نیز حکام منطقه خراسان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بنابراین در این دوره علاوه بر کارکرد تفرجگاهی، کارکرد حکومتی به عنوان سکونتگاه دائمی حاکم شهر نیز به کارکردهای چهارباغ افزوده شده است. از جمله شواهدی که نشان‌دهنده این کاربری جدید است، برخی از وقایع دوره سلطان ابراهیم میرزا^۴ حاکم شهر مشهد، در زمان شاه تهماسب اول صفوی است که در آنها همواره از چهارباغ به عنوان محل استقرار وی یاد شده است. از جمله در ذکر استقبال ریش سفیدان شهر مشهد از دختر شاه تهماسب و نامزد سلطان ابراهیم میرزا آمده است که عروس را در چهارباغ جای دادند و از درب سراب تا در چهارباغ را چنان آذین بندی کردند که رشک خلد برین و نگارخانه چین گردید. (قمی، ۱۳۷۸: ۴۱۸)

همچنین در ضمن نقل برخی دیگر از وقایع شهر مشهد در این دوره مشخص می‌شود که شاهان و شاهزادگان صفوی به مانند دوره تیموری همچنان از چهارباغ به عنوان اقامتگاه استفاده می‌کردند. از جمله در «خلاصه التواریخ» در شرح ورود محمد میرزا [سلطان خدابنده بعدی] به شهر مشهد در سال ۹۶۲ ه.ق و استقبال ابراهیم میرزا از وی آمده است که: «بعد از حمام و زیارت، محمد میرزا را در چهارباغ فرود آوردند و قریب به بیست روز ... در مشهد مقدس اقامت کرد.» (قمی، ۱۳۷۸: ۶-۳۸۵) یا در سال ۹۶۴ ه.ق محمد خان تکلو امیرالامرای خراسان بعد از ورود به شهر مشهد و زیارت، به چهارباغ شتافته به خدمت شاهزاده سام میرزا رسیده است. (قمی، ۱۳۷۸: ۳۹۰) نیز در همین سال ابراهیم میرزا، سلیمان میرزا فرزند کوچک شاه تهماسب را که توسط پدر و بواسطه نذر خادم باشی حرم رضوی به مشهد فرستاده شده بود، جهت محافظت و تربیت در چهارباغ جای داد. (قمی، ۱۳۷۸: ۲-۳۹۱) علاوه بر حاکم شهر و شاهان و شاهزادگان

صفوی، از چهارباغ برای پذیرایی مهمانان خارجی نیز استفاده می‌شده است از جمله در سال ۹۶۴ ه.ق ابراهیم میرزا از امرای اوزبک خوارزم که در راه پایتخت ایران به قصد دیدار شاه صفوی وارد مشهد شدند در چهارباغ پذیرایی نمود. (قمی، ۱۳۷۸: ۳۹۲) در برخی دیگر از منابع تاریخی با وضوح بیشتری از کارکرد حکومتی چهارباغ یاد شده است از جمله در تاریخ «عالم آرای عباسی» در ذکر وقایع سال ۹۹۲ ه.ق شهر مشهد و ملاقات مرشد قلی خان با سلمان خان حاکم مشهد آمده است که: «... آنگاه به قصد ملاقات سلمان خان به چهارباغ که محل اقامت حکام بود، رفت.» (ترکمان، ۱۳۵۰: ج ۱، ۲۱۴)

با روی کار آمدن شاه عباس اول و سفرهای متعدد وی به شهر مشهد، مطالب بیشتری راجع به چهارباغ و اقامت شاه در آنجا نقل شده است. شاه عباس در سالهای ۹۹۷، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۱ [دوبار]، ۱۰۱۶، ۱۰۲۱، ۱۰۲۹ و ۱۰۳۱ ه.ق به شهر مشهد سفر کرده، در برخی از موارد بیش از چند ماه در چهارباغ اقامت نموده است. در این بین، مهمترین سفر وی مربوط به سال ۱۰۰۹ ه.ق می‌شود که بنا بر نذری که کرده بود طی ۲۸ روز پیاده از شهر اصفهان به زیارت مرقد مطهر رضوی شتافت. ضمن همین سفر وی دستور ایجاد خیابان [به سبک خیابان چهارباغ اصفهان] و جاری ساختن مجدد چشمه‌ها و قنوات را بعلت در مزیغه بودن سکنه شهر صادر کرد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۹۰-۸۷) در کتاب «مرآت البلدان» در ذکر وقایع این سفر، از چهارباغ مشهد به عنوان سرای شاهی نام برده شده است: «... بعد از زیارت مرقد مطهر و چند شب و روز اعتکاف در زیر آن قبه گردون مطاف و تقدیم شرایط طاعت و عبادت به چارباغ مشهد که سرای شاهی بود منزل گزین شد.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۴، ۳۴) همچنین در برخی دیگر از

وارد شهر شد و در چهارباغ نزول نمود. (مروی، ۱۳۶۶: ۳۸) ملک محمود که با سپاهیان عرب و سیستانی که گرد خود جمع کرده بود و توپخانه و استعداد کامل وارد مشهد شده بود در همان روز اول مجلس شیلانی [بارِ عام] ترتیب داد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۲۳) از این تاریخ به بعد تا سال ۱۱۳۹ ه. ق که یکی از فرزندان فراری شاه سلطان حسین به نام شاه طهماسب دوم به خراسان آمد، ملک محمود، مالک الرقاب خراسان به مرکزیت مشهد بود. البته تنها مزاحم و حریف ملک محمود در این مدت نادرقلی افشار [نادر شاه آینده] بود که گاه و بیگاه از ایبورد و کلات به وی حمله می‌کرد.

شاه طهماسب دوم که به علت شکست از افغانه دست خود را از دارالسلطنه اصفهان و قزوین کوتاه می‌دید، شهر مشهد را به عنوان پایگاه خود انتخاب کرد و در سال ۱۱۳۶ ه. ق یکی از سرداران خود به نام رضاقلی خان را جهت سرکوبی ملک محمود - که مشهد را به پایتختی برگزیده بود - به خراسان فرستاد. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۷)

در سال ۱۱۳۹ ه. ق نادرقلی افشار که پس از ناکامی رضاقلی خان در تصرف شهر مشهد و عزل وی بدستور شاه طهماسب، به عنوان سردار انتخاب شده بود با سپاه مهیا وارد شهر مشهد شد و تا [اطراف دولتخانه] چهارباغ را متصرف گشت. محمودیان که به محارست بروج و باره مشغول بودند خود را سراسیمه به ارگ رساندند و ملک محمود را از واقعه خبر دادند. ملک محمود نزدیک طلوع فجر از طرف چهارباغ و پایین خیابان حملات پی در پی کرد و جلادت و رشادتی به ظهور رسانید. لیکن نتیجه به دست نیامد و جمع بسیاری از لشکریانش کشته و بقیه به قلعه ارگ پناهنده شدند و آن روز تمام شهر به دست سپاهیان شاهی درآمد. (استرآبادی، ۱۳۶۱: ۵۱) روز بعد از تصرف مشهد بوسیله نادر، دولتخانه

کتب تاریخی این زمان از چهارباغ با نام دولتخانه شاهی یا دولتخانه مبارکه (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۶۱۱) یاد شده است که همه نشان دهنده کارکرد حکومتی چهارباغ می‌باشند.

در دوره شاه عباس و به سال ۱۰۲۰ ه. ق چهارباغ یکبار دیگر پذیرای میهمانان خارجی ازبک بود و «ولی محمد خان ازبک» حاکم ماوراءالنهر که به سبب طغیان پسران برادرش دین محمدخان، به شاه عباس پناهنده شده بود، مورد استقبال میرزا عرب، برادر شاه نظر حاکم مشهد قرار گرفت. به نوشته اسکندربیک ترکمان، میرزا عرب طی این استقبال از دروازه شهر تا چهارباغ را پای اندازه‌های رنگین گسترانید. (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۸۳۵)

اما پرحادثه ترین و مهمترین دوره حیات چهارباغ مشهد به اواخر دوره صفوی و پس از حمله افغانه به دارالسلطنه اصفهان مربوط می‌شود. یکی از مهمترین بازیگران سیاسی چهارباغ در این مقطع زمانی «ملک محمود سیستانی» از امرای محلی و قدیم سیستان است که در سال ۱۱۳۵ ه. ق و در پی خلاء قدرت ناشی از زوال حکومت صفوی، جنوب خراسان را به تصرف درآورد به امید تصرف تمام ملک خراسان و برپایی حکومتی جدید راهی شهر مشهد شد. البته در این بین هرج و مرج ناشی از درگیری‌های بین مردم و حاکمان شهر مشهد نیز زمینه را برای وی مساعد ساخت. از جمله در ماه جمادی الاول همین سال، جمعی از عوام الناس مشهدی به چهارباغ ریخته، علی قلی خان حاکم مشهد را با تعدادی از عمال او به قتل رساندند. (استرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۱)

در زمان رسیدن ملک محمود به نزدیک شهر مشهد در ششم جمادی الثانی سال ۱۱۳۵ ه. ق، پهلوانان با کدخدایان و اعزه و اعیان [شهر تا حوض] بباقدردت به استقبال وی شتافته، ملک در میان استقبال عمومی

چهارباغ را تعمیر و مفروش کردند و شاه طهماسب به آنجا نزول فرمود و به عیش و عشرت مشغول شد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

۲-۳- دوران افشاریان: اوج شکوه چهارباغ

با روی کار آمدن افشاریان، شهر مشهد رسماً به عنوان پایتخت سلسله افشاری و کل ایران انتخاب می‌شود و چهارباغ به معنای واقعی نام و نشان مقرر شاهی را به خود می‌گیرد. بدیهی است که در این دوره به اقتضای امورات حکومتی و کشوری جدیدی که در داخل چهارباغ می‌بایست انجام شود، قسمت‌هایی به آن افزوده شد. اغلب اطلاعات ما در رابطه با چهارباغ دوران افشاریه از کتاب‌های تاریخی که در رابطه با زندگینامه نادرشاه تالیف یافته بدست می‌آید از جمله «جهانگشای نادری» تالیف میرزا مهدی خان استرآبادی و «عالم آرای نادری» تالیف محمد کاظم مروی. باتوجه به مطالب کتب مزبور مشخص می‌شود که طی این دوره چهارباغ توسعه زیادی یافته بناها و عناصر دیگری مانند کاخ هشت بهشت، میدان عالی قاپو و جزآن در آن ساخته می‌شود. از همین رو از چهارباغ با عنوان عمارات چهارباغ [مجموعه ای از بناها] یا دارالخلافه شاهنشاهی نام برده شده است. از جمله در ذکر ازدواج رضاقلی خان فرزند ارشد نادر آمده است: «... نواب صاحب قران بعد از [دریافت] شرف زیارت با تمامی خوانین و سرکردگان به چهارباغ نزول اجلال فرموده، کدخدایان و اعزه و اعیان و اهالی و بزرگان ارض اقدس را به حضور والا طلبیده مقرر فرمود که تدارک شاهانه و مجلس ملوکانه آماده نمایند که فرزند کامیاب خود رضاقلی خان را اراده داریم وطنی داده،^۵ چون تهیه اسباب سور سرانجام یافت و پرتو آن شادی و سرور بر در و دیوار خاطر هر نزدیک و دور تافت، خاص و عام را به دارالخلافه شاهنشاهی بار دادند و

....» (مروی، ۱۳۶۴: ۱۶۳) مؤلف عالم آرای نادری در ادامه شرح این جشن، از تالاری با نام الیاس خانی نام می‌برد (مروی، ۱۳۶۴: ۱۶۵) که نشان می‌دهد طی همین دوره تالاری به این نام نیز به مجموعه بناهای چهارباغ افزوده شده است.

از دیگر بناهایی که احتمالاً در این دوره در داخل چهارباغ قرار داشته ضرابخانه بوده است زیرا نادر قبل از حرکت به طرف اصفهان جهت بیرون راندن اشرف افغان، با استفاده از غنایم هند در آنجا سکه ضرب کرده است. (مروی، ۱۳۶۴: ۱۰۸) بیشترین اقدامات نادر در چهارباغ همزمان با اقدامات عمرانی در مجموعه حرم رضوی بواسطه نذری که برای فتح هرات کرده بود (استرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۴۱)، صورت گرفته است. در شرح اقدامات نادر در چهارباغ همزمان با ساخت گلدسته و طلا گرفتن آن بعلاوه ایوان علیشیر در حرم رضوی آمده است: «... استادان معمار نظر به فرمان خاقان عدالت شعار از قریه مذکور [مزرعه گلستان] آب موفور از محل عبور سابق برگردانیده هرجا و مکان که در گودی و عمق بود به آجر و سنگ بلند آوردند و با شترگلو^۶ آب را به روی می‌آوردند و در چهارباغ شاهی، عمارات هشت بهشت طرح انداختند، آب مذکور چون وارد قلعه شد، در همه جا جست آن شش ذرع الی ده ذرع ارتفاع داشت. و در پیش چارباغ آب انباری ساختند که یکی در زیر بود و یکی در بالا و آنکه در زیر بود جهت خیرات ساخته بودند که عوام الناس برده به مصارف می‌رسانیده باشند و آنکه در بالا بود چهارده دهنه داشت که هر دهنه به چندین صنعت پراکنده گردیده و در میان هشت بهشت از حوضهایی که در میان آن عمارات عالییه ساخته بودند فواره می‌جست...» (مروی، ۱۳۶۴: ۲۰۳) همان گونه که مشخص می‌شود بر طبق نوشته فوق علاوه بر تالار الیاس خانی، بناهایی چون شترگلو، هشت بهشت، دو

خیابان و محلات آذین و چراغانی شده بود. (مروی، ۱۳۶۴: ۷۷۱) همچنین دروازه ورودی چهارباغ نیز عالی قاپی نامیده می‌شده است: «... ریسمان بازی از بلده فاخره بخارا وارد گردید... ریسمانی [داشت] طولانی که یک سر آن ریسمان در بالای عالی قاپی و پایین آن در قیاق میان میدان نقش جهان و سر دیگر در بالای نقاره خانه بسته [بود]...» (مروی، ۱۳۶۴: ۷۷۲) شخصی به نام عبدالکریم هندی که در همین سال همراه نادر از هندوستان به مشهد آمده از چهارباغ با عنوان قصر سلطنتی یاد کرده است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ج ۲، ۴۷) با توجه به مطالب فوق، در این زمان مشهد نیز به مانند اصفهان دارای میدان نقش جهان و دروازه عالی قاپو بوده است که این امر نشان دهنده الگوبرداری نادر در ساخت پایتختی با اجزایی مشابه پایتخت صفویان در اصفهان است. یکی از اتفاقات تلخ چهارباغ در دوره نادر، قتل تعداد زیادی از عمال و مباشرین حکومتی در آنجا به سال ۱۱۵۳ ه. ق در پی بدبینی‌های نادر پس از بازگشت از سفر هند و ترکستان و خوارزم است که تا حد زیادی محبوبیت نادر را در بین مردم و سردارانش از بین برد (مروی، ۱۳۶۴: ۸۲۷) و همین رویه، در نهایت موجب قتل وی در سال ۱۱۶۰ ه. ق و متعاقب آن هرج و مرج و سپری شدن دوره شکوه چهارباغ شد.

پس از قتل نادر توسط سرداران سپاهش، برادر زاده اش علیقلیخان به پادشاهی برگزیده شد و در تاریخ بیست و هفتم جمادی الثانی ۱۱۶۰ ه. ق با نام عادلشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد و از علیقلی به علیشاه تغییر نام داد. (استرآبادی، ۱۳۶۱: ۴۲۷) از اقدامات مهم دوره عادلشاه در رابطه با چهارباغ، ساخت ارگی مستحکم در داخل آن و انتقال کلیه گنجینه‌های نادر از جمله الماس‌های مشهور کوه نور، دریای نور و تحفه گرانبهای تخت طاووس از دژ کلات به آنجا است. کار ساخت این بنا سه ماه به طول انجامید و در اطراف آن

آب انبار یکی عمومی و یکی اختصاصی دربار و حوضهای آب به بناهای چهارباغ افزوده شده است. یک نکته جالب در رابطه با عمارت هشت بهشت، دستور نادرشاه به پدر مؤلف عالم آرای نادری برای تهیه فرش از قاینات برای عمارت هشت بهشت و دیگر بناهای چهارباغ در سال ۱۱۴۵ ه. ق است: «...حسب الامر اقدس به عهده والد محرف این حروف مقرر گردیده بود که به قاینات رفته مداخل و مخارج آنجا را با یک دست فروش روضه منوره و یک دست فروش به جهت هشت بهشت و چند دست برای عمارات عالیۀ چهارباغ شاهی مع نمود و قالی سرانجام نموده مراجعت نمایند.» (مروی، ۱۳۶۴: ۲۰۶)

نادر هم زمان با این اقدامات در مجاورت چهارباغ برای خود آرامگاه مجلل و زیبایی نیز بنا نهاد: «... و دیگر حسب الامر اقدس مقرر شد که در قبله خیابان بالا در جنب عمارات چهارباغ شاهی مقبره ای از خشت و گچ بنا نمایند...» (مروی، ۱۳۶۴: ۴-۲۰۲) اگر مقبره کنونی نادر در شهر مشهد که توسط احمد قوام والی قاجاری خراسان در سال ۱۲۹۶ ه. ق ساخته و در دوره پهلوی دوم تجدید بنا شده (سیدی، ۱۳۷۸: ۲۳۶)، همان مکان اولیه مقبره باشد، می‌توان چنین برداشت نمود که عمارات چهارباغ احتمالا در محدوده چهارراه نادری تا ایستگاه راه آهن کنونی مشهد واقع بوده است. مطابق وقفنامه ای که برای آرامگاه مزبور نوشته شده و اصل آن در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، چنین معلوم می‌شود که این باغ، زیبا و مشجر بوده است زیرا در وقفنامه دو نفر باغبان موظف برای آنجا تعیین شده بودند. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۹) باتوجه به توصیفات جشنی که نادر به سال ۱۱۵۳ ه. ق پس از فتح هندوستان در مشهد برگزار می‌کند مشخص می‌شود که میدانی تحت عنوان نقش جهان نیز در مجموعه عمارات چهارباغ وجود داشته است که طی مراسم جشن به همراه بازار و

خندقهای بسیار عریض و عمیقی کردند و زمین‌های اطراف را محکم کرده و تمام آنها را با مقدار زیادی اسباب توپخانه مجهز نمودند. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۳۲) عادلشاه در ذی الحجه سال ۱۱۶۰ ه. ق. عازم مازندران شد (پازن، ۱۳۴۰: ۵۷) و پس از یک سال که به مشهد برگشت در بند اسیری افتاد زیرا امرای خراسان شاهرخ^۶ افشار نوه نادر را که تنها عضو بازمانده در قتل عام خانواده نادر شاه توسط عادلشاه بود و به مصلحت وی در چهارباغ محبوس بود را به تخت نشانده بودند. بدین ترتیب شاهرخ افشار پنجمین شاهی بود که در چهارباغ مشهد در هشتم ماه شوال سال ۱۱۶۱ ه. ق. بر تخت پادشاهی جلوس کرد (استرآبادی، ۱۳۶۱: ۴۳۱) اما پادشاهی او هم چندان نپایید.

شاهرخ در سال ۱۱۶۲ ه. ق.، میر سید محمد یکی از سادات مرعشی و متولی آستانه رضوی در اواخر عهد نادرشاه را که در آن وقت در شهر قم اقامت داشت از بیم آنکه امرای عراق و آذربایجان وی را به پادشاهی بردارند، به مشهد فرا خواند و از او خواست تا نیابت امور سلطنت را در دست گیرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۰) اما این اقدام پیشدستانه، به ضرر او تمام شد زیرا در سال ۱۱۶۳ ه. ق. جمعی از امرا که از اقدامات نسنجیده شاهرخ رنجیده بودند به ملاقات سید زفته و وی را به قبول پادشاهی تکلیف کردند. او هرچند ابا و امتناع از پذیرفتن آن کار کرد مفید نیافتاد. «یکی از امرا به طویله رفته اسبی را بزیر زین کشیده آورده و همگی امرا، به اتفاق سید را سوار کرده و خود در جلو افتاده روانه چهارباغ که دارالسلطنه است گشته و لشکریان از اطراف و جوانب مطلع شده به امرا پیوسته و سکنه شهر هم به دستور، خود را شریک نموده داخل چهارباغ گردیدند». (گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۵-۴۴) سید محمد در پنجم صفر ۱۱۶۳ ه. ق. در عمارت الیاس خانی چهارباغ با عنوان «شاه سلیمان ثانی»، رسماً بر تخت سلطنت

معروف به «تخت طاووس»^۷ جلوس کرد و در همان اولین روز جلوس به اتفاق امرای حامی خویش به زیارت حرم رضوی شتافت و ضریح نادرشاه را به حرم منتقل نمود. (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۱۶-۱۱۵)

اما مدت پادشاهی شاه سلیمان و اقامت او در چهارباغ هم چیزی بیش از یکماه نبود و این پادشاهی کوتاه با کور شدن، بریده شدن زبان و در نهایت مرگ او به اتمام رسید. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که در غیبت شاه سلیمان و حضور وی در چمن رادکان، جمعی از هوادارانش به سرکردگی یکی از امرای محلی خراسان به نام امیر علم خان خزیمه به سراغ شاهرخ محبوس در چهارباغ رفتند و وی را از نعمت بینایی محروم کردند. (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۳۱-۱۲۸) بعد از این قضایا صبیبه میرزاخان سلطان، زوجه شاهرخ که در چهارباغ با شوهر خود تحت نظر شاه سلیمان بود به دستگیری بعضی از خواجه سرایان به امرای خراسان نامه می‌نوشت و آنها را در خودداری از حمایت شاهرخ سرزنش می‌کرد و به آنها وعده مقام و رتبه عالی و نوید صاحب اختیاری امور سلطنت می‌داد و کوری شاهرخ را منکر می‌شد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۷۳)

در سال ۱۱۶۳ و پس از ۴۰ روز از پادشاهی شاه سلیمان در حالی که یکی از امرای مخالف شاهرخ و خویش امیر علم خان خزیمه به نام امیر محراب خان عرب درگذشت، چون امیر علم خان و دیگران سرگرم تدفین شدند امرای هوادار شاهرخ به سرکردگی یوسف علی‌خان و زال‌خان جلایر که چندی مترصد فرصت بودند، وقت را از دست ندادند و چون با جماعت کشیکچیان همدست بودند مردم خود را دو دو و سه سه از دروازه چهارباغ وارد کردند و بر بام‌ها رفتند و دروازه‌ها را بستند و شاه سلیمان را از خلوتخانه بیرون کشیدند و دوچشم او را از حدقه بیرون کردند و

مملو از صندوقهای جواهر زبده الوان که به مهر محمدشاه بایری بود و نادر سر به مهر نهاده بود را به تصرف خود درآورد. (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۷) با توجه به اقامت شاهرخ در چهارباغ، می‌توان چنین احتمال داد که دالان مخفی مزبور در داخل همین چهارباغ قرار داشته است. همچنین احتمالاً اغلب ۲۲۴۳۹ قطعه سنگ گرانهای تخت معروف به نادری شامل ۹۵۹۷ قطعه الماس، ۷۴۶۴ قطعه زمرد، ۴۶۸۲ قطعه یاقوت و ۶۹۶ قطعه لعل در همین زمان توسط آقامحمدخان تصاحب شده و در دوره فتحعلی شاه آذین بخش تخت معروف به نادری شده است.^۹ پس از قتل آقا محمد خان در سال ۱۲۱۱ ه. ق، نادر میرزا یکی از فرزندان شاهرخ افشار که در زمان تصرف شهر بدست خان قاجار، به هرات گریخته بود، از هرات به مشهد بازگشته و شهر را متصرف شد. (هدایت، ۱۳۴۹: ج ۹، ۳۵۲) چهارباغ مشهد از این تاریخ تا سال ۱۲۱۸ ه. ق که شهر مشهد به تصرف مجدد سپاه قاجاری در آمد، واپسین روزهای آخرین شاه افشاری را رقم زد.^{۱۰}

۲-۴- دوران قاجاریه: پایان عمر چهارباغ

از سال ۱۲۱۸ ه. ق به بعد مجدداً حکومت خراسان به شاهزاده محمد ولی میرزای قاجار سپرده شد و او در شهر مشهد استقرار یافت. از این تاریخ به بعد است که دیگر در ذکر وقایع شهر مشهد نامی از عمارات حکومتی چهارباغ دیده نمی‌شود و به عبارتی با پایان دوران افشاریه و آغاز حکومت قاجاریه، بنای حکومتی جدیدی جایگزین آن می‌شود. یکی از دلایل این امر را می‌توان در خرابی‌های وارده بر شهر مشهد و عمارات چهارباغ در حمله آقامحمد خان و فتحعلیشاه قاجار و درگیری‌های آنان با بازماندگان سلسله افشار دانست. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۳۲) به نظر می‌رسد پس از این درگیری‌ها و ویرانی عمارات چهارباغ، محمد ولی میرزا، بنای دیگری را به نام

شاهرخ را به گمان آنکه بیناست از اندرون به درآوردند. چون او را کور دیدند از کرده نادم و پشیمان شدند. لیکن تأسف حاصلی نداشت. ناچار شهرت بینایی وی را داده بر تخت نشانیدند و به شادمانگی توپ و تفنگ بسیار شلیک کردند. امیر علم خان و سایر امرا که در روضه رضویه بودند از آواز توپ و تفنگ مضطرب شده به در دولتخانه شاهی آمدند و پس از شنیدن خبر با جماعتی از سپاهیان گرد و عرب و بیات که جمع شده بودند بر چهارباغ حمله بردند. یوسف علی خان و زال خان جلایر و سایر امرای کشیک که توپخانه شاهی را به تصرف داشتند به ضرب گلوله توپ و تفنگ حملات آنها را دفع کردند. (گلستانه، ۱۳۴۴: ۵۵)

پس از تفرق سرداران، یوسف علی خان مذکور، شاه سلیمان ثانی را با کلیه متعلقاتش از چهارباغ بیرون آورد و در قلعه ارگ حبس کرد و جماعتی را برای حفظ و حراست آنها برگماشت و خود را مختارالدوله خواند و مختار امور سلطنت شد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۷۶) هواداران شاهرخ، سید محمد کور را از چهارباغ به ارگ برده حبس کردند بعد هم زبان او را بریدند. (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۲-۶۵) بدین سان از حدود نیمه ماه ربیع الثانی سال ۱۱۶۳ ه. ق شاهرخ نابینا دوره دوم حکومت ۱۷ ساله خود را در مشهد و چهارباغ آغاز کرد. (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۱۳۷)

در پی قدرت یافتن ایل قاجار و ورود آقامحمدخان به مشهد در سال ۱۲۱۰ ه. ق، شاهرخ بدون جنگ و مقاومت به همراه جمعی از علما و سادات و چند نفر از پسران خود به استقبال وی شتافت و خان قاجار پس از زیارت عتبه مقدسه به مقر حکومتی مشهد [چهارباغ] وارد شد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۹۴) شاهرخ پس از ورود آقامحمدخان، پیشکش‌هایی تقدیم وی نمود اما خان قاجار که از ثروت‌های اندوخته نادری نزد وی اطلاع داشت، آغاز به شکنجه شاهرخ کرد و در نهایت یک دالان

چهارباغ در آنجا قرار داشت به نام محله چهارباغ می‌نامیدند. در اواخر این دوره، مشهد دارای شش محله بزرگ^{۱۱} و ده محله کوچک بوده که یکی از محلات بزرگ شش گانه، همین محله چهارباغ یا سرشور بود. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۳۴) بعد از دوره قاجار و تغییر و تحولات نوین شهری دوره پهلوی اول در شهر مشهد، بیشتر قسمتهای این محله هم تخریب شد و از آن تنها نام یک کوچه تحت عنوان چهارباغ باقی ماند.

نتیجه

با توجه به مطالب ذکر شده، چهارباغ مشهد از تاریخ ساخت آن در سال ۸۴۲ ه.ق تا تاریخ تخریب در سال ۱۲۵۰ ه.ق یعنی بیش از ۴۰۰ سال حیات داشته است و طی این مدت در کتب تاریخی از آن با عناوین مختلفی چون سرای شاهی، دولتخانه شاهی، دولتخانه مبارکه، قصر سلطنتی، چهارباغ شاهی، دارالخلافه شاهنشاهی و جزآن یاد شده که نشان دهنده جایگاه مهم آن به عنوان دارالحکومه یا کانون یک پایتخت در تحولات سیاسی و تاریخی شهر مشهد، ناحیه خراسان و بعضاً کل ایران بوده است. ساخت این چهارباغ در زمان شاهرخ تیموری را می‌توان نشانه مرکزیت یافتن رسمی شهر مشهد به جای شهر توس به عنوان مرکز ناحیه توس در قرن نهم هجری و آغاز توسعه و شکوفایی شهر مشهد دانست که در ادوار صفوی و مخصوصاً افشاری تداوم یافته است. نکته دیگر علت انتخاب شهر مشهد به عنوان پایتخت توسط طهماسب دوم صفوی، ملک محمود سیستانی و نادر و جانشینان در بین شهرهای مختلف ایران بوده که جایگاه مهم این شهر را در این برهه زمانی یادآور می‌شود زیرا از اواخر دوران صفوی و با تصرف شهر اصفهان به دست افغانه، شهر مشهد به عنوان بزرگترین و مهمترین شهر ایران پس از اصفهان بوده است. شهر مشهد که در زمان

ارگ دولتی به جای آن ساخته است. در روضه الصفاى ناصری در ضمن تشریح جنگهای سالار و حمزه میرزا برادر محمدشاه قاجار، از ارگ پیوسته به شهر سخن رانده شده (هدایت، ۱۳۴۹: ج ۹، ۶۴) که به نظر می‌رسد منظور، همین ارگ دولتی جدید است.

در بررسی وقایع دوران قاجار شهر مشهد متوجه می‌شویم که این بنای حکومتی جدید، در جنوب غرب شهر و متصل به باروی شهر بوده است. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۳۲) «لرد جرج کرزن» یکی از دولتمردان انگلیسی که در اکتبر ۱۸۸۹ میلادی برابر با ماه صفر ۱۳۰۷ ه.ق از شهر مشهد دیدن کرده در مورد این ارگ حکومتی می‌نویسد: «... ارگ در جنوب غربی، به وسیله میدانی از شهر جدا شده و دارای برج و بارو و دروازه است...» (کرزن، ۱۳۶۲: ۲۳۵)

چنین به نظر می‌رسد که پس از ساخت ارگ جدید به وسیله محمد ولی میرزا، عمارات چهارباغ علی‌رغم ویرانی حداقل تا سال ۱۲۲۸ ه.ق هنوز پابرجا و قابل استفاده بوده است زیرا اسحاق خان قرایی معروف به گرد قرایی حاکم ولایت زاوه و تربت حیدریه در همین سال و متعاقب انعقاد عهدنامه ننگین ترکمانچای، با استفاده از ضعف دولت مرکزی با فریب دادن محمد ولی میرزا، برج و باروی شهر مشهد را به تصرف درآورده و در چهارباغ مسکن گزیده است. (هدایت، ۱۳۴۹: ۴۹۸). ظاهراً در سال ۱۲۵۰ ه.ق عمارات سلطنتی چهارباغ بطور کامل ویران شده و دیگر اثری از آنها برجای نمانده بود زیرا «جیمز بیلی فریزر» انگلیسی که در این سال وارد مشهد شده و پانزده روز در این شهر اقامت داشته، روزی قدم زنان از چهارباغ گذشته و می‌نویسد که: «... چهارباغ به ویرانه ای تبدیل شده بود و تنها مردی در آن بیل می‌زد تا برای خودش سبزی بکارد». (فریزر، ۱۳۶۴: ۳۲۱) در دوره قاجار علی‌رغم تخریب کامل چهارباغ، محله ای را که قبلاً عمارات

پی‌نوشت‌ها

- ۱- احتمالاً درخت نارون.
- ۲- گلابی.
- ۳- رادکان که در گذشته با نام رایکان ضبط شده است، امروزه شامل منطقه ای در دشت چناران و در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال غرب شهرستان مشهد می‌شود. این منطقه در حال حاضر تبدیل به روستای بزرگی به نام رادکان شده که مرکز بخش رادکان و از توابع شهرستان چناران محسوب می‌شود و مردم آن بیشتر به شغل کشاورزی و دامداری مشغولند. یکی از مهمترین یادگارهای این منطقه از دورانهای گذشته برج معروف رادکان است که به دوره سلجوقی تعلق دارد. همچنین در گوشه و کنار منطقه رادکان امروزه پستی و بلندی‌هایی دیده می‌شود که نشان از رونق و آبادانی شهری به نام رادکان توس در دوران گذشته دارد. این شهر مولد خواجه نظام الملک طوسی و ابومحمد عبدالله بن هاشم الطوسی و ابوالزهر حسن بن احمد بن محمد الطوسی است. در کنار رادکان مرغزار طوس است که شهرت و سابقه تاریخی زیادی دارد و ملک‌شاه سلجوقی بامر پدرش آلب ارسلان در این مرغزار بتخت نشسته است و علاء‌الدین تکش خوارزمشاه در مرغزار رادکان تاجگذاری کرده و این مرغزار در قرون مختلفه مرتع اسبان سلاطین بوده و بسیاری از سلاطین ایران در مرغزار رادکان بگردش و شکار و استراحت پرداخته اند. رادکان کنونی شامل دو قسمت است. بخشی از آن رادکان قدیمی که هنوز آثار برج و باروی آن کاملاً مشهود است. دیوار آن با چینه ساخته شده و سنگ و آجر در آن بکار نرفته است. بخش جدید که حاصل توسعه رادکان در سالهای اخیر است، شامل منازل مسکونی می‌باشد که در خارج قلعه ساخته شده است (عطاردی، ۱۳۳۸: ج ۱، ۳۱-۲۹).
- ۴- فرزند بهرام میرزا برادر شاه طهماسب و نوه شاه اسماعیل.
- ۵- منظور از وطی دادن، زن دادن است.
- ۶- در اصطلاح مقنیان، راه آب زیر زمینی با لوله یا تنبوشه‌های بزرگ در زیر نهر یا رودخانه و آنچنان باشد که از دوسوی رودخانه همچون دو چاه تعبیه کنند و آن دو را از زیر رودخانه به هم ببیوندند تا آب از یک سمت فرو رود و از سمت دیگر بالا آید. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه شترگلو)

تیموریان پس از هرات دومین شهر خراسان بود از اواسط دوره صفوی تقریباً اهمیتی برابر با هرات یافت و در دوره نادر از آن پیشی گرفته و ابرشهر خراسان شد. هرچند انتخاب مشهد به عنوان پایتخت در دوره افشاری تا حدی تحت تاثیر علاقه نادر به این شهر و نزدیکی آن به زادگاه وی به عنوان پشتوانه حکومت تازه تاسیس او هم بوده اما نباید فراموش کرد که این شهر بواسطه نزدیکی به شهرها و مراکز تجمع افغانه و ازبک‌ها به عنوان مهمترین مهاجمان به ایران در آن زمان، از وضعیت سوق الجیشی خاصی نیز برخوردار بوده است.

نکته پایانی در رابطه با منشاء و سابقه فضای چهارباغ است که طی قرون سه و چهار هجری در منطقه خراسان بزرگ شکل گرفته و طی دوره تیموریان از رونق فراوانی برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد این فضا در دوران شاه عباس اول صفوی به اصفهان راه یافته و به اوج تکامل خود به عنوان یک عنصر شهری مهم دست یافته است. نکته حائز اهمیت در این زمینه سابقه حضور شاه عباس در منطقه خراسان و شهر هرات تا قبل از پادشاهی وی^{۱۲} و تبعاً آشنایی او با فضاهای متعدد چهارباغ در این منطقه است. بنابراین بیراه نیست اگر تصور کنیم که شاه عباس فضای چهارباغ را از منطقه خراسان اقتباس کرده و البته با تغییرات معین به اقتضای موقعیت مکانی و جغرافیایی شهر اصفهان و رود زاینده رود آنرا به عنوان بخش مهمی از الگوی آرمانی شهرسازی خود بکار برده باشد. بعبارت دیگر وی چهارباغ را از یک فضای خصوصی درباری یا حکومتی صرف به یک فضای شهری عمومی در قالب خیابانی مستقیم و عریض تبدیل کرد. از سوی دیگر فضای چهارباغ نشان دهنده ارتباط قدیمی بین فضاهای سبز یا باغ‌ها با کارکردهای حکومتی و شهری حداقل از دوره صفویان به بعد نیز هست.

- ۷- شاهرخ فرزند رضاعلی میرزا و نوه نادر و مادرش دختر شاه سلطان حسین صفوی است که پس از قتل ابراهیم خان برادر زاده نادر به تخت نشست.
- ۸- در اصل نام تخت سلطنتی مرصعی بود که نادر شاه از هند به عنوان غنیمت جنگی با خود به ایران آورد. این تخت به دلیل وجود طرح دو طاووس پرگشوده که در پشت آن قرار داشت به این نام شهرت یافته بود. پره‌های زیبای این طاووس‌ها با جواهراتی چون: یاقوت، زمرد، مروارید، یاقوت کبود و سنگهای گران‌بهای دیگری تزیین شده بودند که در قرن ۱۱ هجری برای شاه‌جهان پادشاه گورکانی هند ساخته شد. سازنده این تخت نفیس محمدسعید لاهیجی معروف به سعیدای گیلانی و بی‌بدل‌خان، خوشنویس و هنرمند ایرانی بود (فضایلی، ۱۳۶۲: ۵۰۹-۵۰۸).
- ۹- تخت نادری نام اریکه سلطنتی است که به دستور فتحعلی شاه قاجار توسط جواهر سازان و صنعتگران ایرانی ساخته شده‌است. این تخت مرصع و میناکاری شده شامل ۲۲ هزار سنگ و جواهر قیمتی است که برای اردوکشی به چمن سلطانیه زنجان در ۹ قطعه مجزا ساخته شد. این تخت تنها در مواقع سفر برای پادشاه حمل می‌شد و در بقیه اوقات در خزانه سلطنتی نگهداری می‌شد. در حال حاضر این اثر گرانبها در موزه جواهرات ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.
- ۱۰- نادر میرزا پس از دستگیری، به دستور فتحعلی شاه ابتدا با خشونت تمام کور شد و سپس دست و زبان او بریده و در نهایت کشته شد. (هدایت، ۱۳۴۹: ۳۸۶)
- ۱۱- دیگر محلات بزرگ عبارت بودند از محله خیابان علیا، محله خیابان سفلی، محله سراب، محله عیدگاه و محله نوقان.
- ۱۲- شاه عباس تا قبل از رسیدن به سلطنت، از طرف جدش شاه طهماسب، حکومت خراسان را به لگی شاهقلی سلطان داشته و به نوعی دوران کودکی تا جوانی خود را در خطه خراسان گذرانده است.
- نادر، به کوشش سید عبدالله نوری، تهران: انجمن آثار ملی.
۲. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷) مرآت البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ----- (۱۳۶۲) مطلع الشمس، تهران: انتشارات پیشگام.
۴. بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۳) تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض و اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۵. پازن (۱۳۴۰) نامه‌های طبیب نادرشاه، ترجمه دکتر علی اصغر حریری، تهران: انجمن آثار ملی.
۶. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۵۰) تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
۷. خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۸۰) تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۹. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: انتشارات طهوری.
۱۰. سیدی، مهدی (۱۳۷۸) تاریخ شهر مشهد، چاپ اول، تهران: انتشارات جامی.
۱۱. عطاردی، عزیز الله (۱۳۷۱) تاریخ آستان قدس رضوی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات عطارد.
۱۲. فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴) سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
۱۳. فضایلی، حبیب‌الله (۱۳۶۲) اطلس خط. چاپ دوم، اصفهان: انتشارات مشعل اصفهان.
۱۴. قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷) فواید الصفویه، تصحیح دکتر مریم میراحمدی، تهران: انتشارات مطالعات و تحقیقات.
۱. استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۱) جهانگشای

منابع

۱۵. قمی (میر منشی)، قاضی احمد (۱۳۷۸) خلاصه التواریخ، تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. کرزن. (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران، ترجمۀ وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. کلاویخو (۱۳۶۶) سفرنامه کلاویخو، ترجمۀ مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴) پایتخت های ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
۱۹. گلستانه. ابو الحسن (۱۳۴۴) مجمل التواریخ، به کوشش مدرس رضوی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
۲۰. مدرس رضوی، محمد تقی (۱۳۷۸) سال شمار وقایع مشهد در قرنهای پنجم تا سیزدهم، به کوشش ایرج افشار، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۲۸) مجمع التواریخ، تصحیح عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ.
۲۲. مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴) عالم آرای نادری، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات کتابفروشی زوار.
۲۳. میرخواند، میر محمد (۱۳۷۵) تاریخ روضة الصفا، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی.
۲۴. نرشخی، محمدبن جعفر (۱۳۵۱) تاریخ بخارا، ترجمۀ ابونصر احمدبن محمدنصر قباوی، تلخیص محمدبن زفر بن عمر، تهران: چاپ مدرس رضوی.
۲۵. هدایت، رضاقلیخان (۱۳۴۹) تاریخ روضه الصفا ناصری، تهران: کتابفروشی مرکزی و خیام.

26. Golombek, L (1995)"The gardens of Timur: new perspectives", Muqarnas, vol. 12



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی